

مبانی دینی و اصول جرم انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو

فاطمه توکلی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان

دکتر حسین آقابابایی ✉

دانشیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

دکتر حسن شاه‌ملک‌پور

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

چکیده:

مقدسات دینی، افراد، اشخاص، مفاهیم، نهادها و نمادهای مورد احترام باورمندان دینی است که اهانت به آنها موجب برانگیختگی عاطفی اعضای آن جامعه گردیده و می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای افراطی و مخاطرات جدی امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی گردد. این مطالعه ضمن بررسی اجمالی شالوده‌های دینی در جرم انگاری اهانت به مقدسات، برخی اصول جرم انگاری مانند اصل مصلحت عمومی و اصل ضرر را که می‌تواند ضابطه جرم تلقی کردن توهین به باورهای دینی به عنوان ارزشی انسانی و فراملی باشد، مورد تحلیل قرار داده و با توجه به ضرورت جداسازی بحث و انتقاد در جهت حمایت از آزادی بیان از توهین و تمسخر در حمایت از آزادی عقیده و احترام به باورمندان، به چالش‌های جرم انگاری توهین به مقدسات پرداخته است. هدف این پژوهش ارائه رهیافتی برای برون رفت از دور باطل خشونت و افراط‌گرایی در سطح منطقه‌ای و جهانی است.

کلید واژه‌ها: جرم‌انگاری، اهانت به مقدسات، اصل مصلحت عمومی، اصل ضرر، آزادی بیان.

۱۳۹۳/۶/۶

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۸/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

hbabai2002@yahoo.com

جرم توهین از جمله جرایم بر ضد حیثیت معنوی اشخاص است که معمولاً ذیل جرایم علیه اشخاص بررسی و با توجه به کیفیت ارتکاب جرم و موضوع یا مخاطب توهین، به توهین ساده و مشدد تقسیم می‌گردد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶: ۴۱۸؛ زراعت، ۱۳۹۲: ۳۸۷). توهین به مقدسات مذهبی به اعتبار موضوع توهین که افراد، نهادها، نمادها، اماکن یا اشیاء مقدس و مورد احترام هستند، در زمره توهین‌های مشدد قرار می‌گیرد و با توجه به مخاطرات اجتماعی و امنیتی آن، در برخی نظام‌های حقوقی، در زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر اینکه - با وجود شخصی و درونی بودن باور دینی - بخش زیادی از فروعات دینی در میان پیروان ادیان ابراهیمی در قالب مناسک و آیین جمعی، برگزار می‌شود. به عنوان مثال، مسلمانان نماز جمعه و جماعت، مراسم حج، تشییع و تدفین مردگان و مانند آن را به صورت آیینی و جمعی برپا می‌کنند و مسیحیان، مراسم عشاء ربانی، غسل تعمید و مناجات‌های هفتگی در کلیسا را در قالب یک برنامه جمعی و آیین ویژه برپا می‌دارند و بی‌احترامی به این فروعات دینی و آیین‌های جمعی از حساسیت بسیار بالاتری برخوردارند.

علاوه بر این، هر چند توهین به مقدسات امر جدیدی نبوده و به دین خاصی هم محدود نیست، در دنیای مدرن افزون بر شیوه‌های سنتی، ابزارهای جدیدی در اختیار بشر قرار گرفته که اقدام‌های موهن صوتی یا تصویری، امکان اشتراک گذاری (Sharing) و بازنشر گسترده و مکرر یافته‌اند و به زمان و مکان خاصی هم محدود نمی‌شوند. به تعبیر دیگر، تولید کنندگان فایل‌های صوتی، تصویری، کاریکاتور یا سایر موارد توهین آمیز، پس از تولید و انتشار این موارد، حتی اگر از کار خود پشیمان هم باشند، دیگر قادر به جمع‌آوری یا محو آن یا پیش‌بینی و کنترل شیوه و حوزه توزیع آن نخواهند بود. خطر برهم خوردن نظم داخلی کشورها یا حتی در شعاع منطقه‌ای و بین‌المللی یا خشونت‌های بی‌پایان در نتیجه انتشار گسترده این قبیل آثار که باعث جریحه دار شدن احساسات میلیون‌ها انسان می‌گردد، امر دور از انتظاری نیست که نمونه آن، کشته شدن افراد بی‌گناه در پی انتشار قسمت‌هایی از یک فیلم موهن تولید شده در کشور آمریکا در یک شبکه اجتماعی است که خشم مسلمانان کشورهای مختلف را در پی داشته است.^۱ فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی از

۱. در سال ۲۰۱۲ در پی انتشار فیلم اسلام ستیزانه "معصومیت مسلمانان (زندگی محمد رسول اسلام (ص))" محصول ایالات متحده آمریکا، مسلمانان انگلیس، فلسطین، بحرین، کشمیر، عراق، عربستان، لیبی، مصر، اردن، تونس، پاکستان، سودان و ایران با آتش زدن پرچم کشور آمریکا یا تجمع و دادن شعار در مقابل سفارتخانه و کنسولگری آمریکا در کشورشان تظاهرات بر پا کردند. اعتراضات در لیبی منجر به کشته شدن سفیر آمریکا در

طریق انتشار یا پخش تصاویر یا سخنانی که نسبت به اعتقادات دینی دیگران توهین آمیز محسوب می شود، اسباب گسترش نفرت و کینه مذهبی و افراط گرایی حتی در میان پیروان یک دین را فراهم آورده اند. رشد افراط گرایی مذهبی و فرقه ای در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا، در کنار علل و عوامل سیاسی و اجتماعی و رقابت های بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای، بی تأثیر از ادبیات تکفیر و توهین ترویج یافته از طرف گردانندگان سایت ها و ماهواره های بی نام و نشانی نیست که کسی به صورت علنی مسئولیت حمایت مالی و تأمین خوراک برای آن ها را نمی پذیرد ولی مشخص است که به صورت سازمان یافته، نفرت و افراط گرایی در میان مذاهب مختلف اسلامی یا سایر ادیان را ترویج می کنند. ادبیات تکفیر و توهین این رسانه ها در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده و توانسته است زمینه اغوا و تحریک و انسجام افرادی را فراهم کند که در گوشه و کنار دنیا زندگی می کردند و به عنوان گروه های افراط گرای مذهبی حلقه وصلی در کشورهای مورد اشاره یافته و با موج سواری بر این احساسات، بحث ایجاد خلافت اسلامی را مطرح کرده اند. جنگ، ترور و نا امنی در کشورهای سوریه، عراق و لبنان که قرن ها پیروان مذاهب مختلف اسلامی به صورت مسالمت آمیز و احترام یا حداقل تحمل عقاید همدیگر زندگی می کردند، نمونه عینی آثار تولید شده با محتوای توهین و تکفیر است. همچنین حمله تروریستی به دفتر مجله فکاهی شارلی ابدو (Charlie Hebdo) در فرانسه آن هم بعد از گذشت چند سال از زمان انتشار کاریکاتورهایی که از نظر بسیاری از مسلمانان بی احترامی به پیامبر اسلام محسوب شد و پذیرش مسئولیت حمله از طرف گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و حملات مرگبار متعاقب آن نسبت به یهودیان و مواردی از این دست، حاکی از سوء استفاده تروریست ها و حامیان آن ها از ترویج و استمرار ادبیات تکفیر و توهین و انجام خشونت به بهانه مقابله با آن است.

به نظر می رسد توهین و هتک حرمت به مقدسات مذهبی ضمن این که در هیچ آیین و منطقی قابل توجیه نیست و با حقوق اساسی بشر نیز مغایرت دارد، تأثیر غیر قابل انکاری در ایجاد نفرت و کینه داشته و زمینه ساز افراط گرایی متقابل و توسل به خشونت است و با توجه به این که جرم انگاری توهین به مقدسات دینی و مذهبی به خصوص اگر در سطحی

لیبی شد. ماجرای لیبی سبب تشدید تدابیر امنیتی در اطراف ساختمان سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا در همه کشورهای اسلامی شد.

(WWW.yjc.ir/fa/news/4089472 و WWW.fararu.com/fa/news/125782) این در حالی بوده که بعضی از منابع خبری، به کشته شدن ۴ دیپلمات آمریکایی در کنسولگری ایالات متحده در بنغازی لیبی در پی این اعتراضات خبر داده اند. (بی بی سی فارسی، ۲۲ شهریور ۱۳۹۱)

فراملی و با حمایت نهادهای حافظ صلح و امنیت بین المللی همراه شود می تواند همه کشورها را به پیش بینی و وضع مقررات بازدارنده در این خصوص وادار کند، تنظیم سازوکار حقوقی جهانی و در وجه بارز آن سیاست کیفری بین المللی و توصیه کشورها به اتخاذ راهبردهای بازدارنده و فراگیر در این زمینه با توجه به آموزه‌های ادیان و اصول و موازین حقوقی ضروری به نظر می‌رسد. امری که در خصوص مواردی مانند مبارزه با دزدی دریایی، قاچاق مواد مخدر، فساد اقتصادی، تروریسم و .. اتفاق افتاده است.

مقررات موجود ملی در خصوص توهین به مقدسات دینی که معمولاً ضمانت اجراهایی نسبت به توهین به مقدسات برخی ادیان یا دین غالب ساکنان آن سرزمین مقرر کرده اند،^۱ در شرایط امروزی که رسانه‌ها با امکان دسترسی فراملی و بدون مرز عهده دار پخش موارد توهین به مقدسات می‌شوند قادر به تضمین ارزش‌های دینی و بازدارندگی از آسیب‌های مورد اشاره نیست. همان گونه که عذر احترام به آزادی‌های مشروع از جمله آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات، که در توجیه انفعال و بی‌کیفری یا برخورد گزینشی با محتوای توهین آمیز مطرح می‌شود، پاسخ‌گوی مشکلات جبران‌ناپذیر مورد اشاره نخواهد بود.

پژوهش حاضر جرم‌انگاری توهین به مقدسات در سطحی فراملی و به‌عنوان راهبردی برای مقابله با افراط‌گرایی و خشونت با انگیزه یا بهانه توهین به مقدسات را بررسی نموده و در پاسخ به این پرسش که کدامیک از اصول جرم‌انگاری^۲ می‌تواند توجیه‌کننده جرم تلقی کردن اهانت به مقدسات دینی باشد، این فرض را بررسی نموده که جرم‌انگاری اهانت به مقدسات دینی می‌تواند مبتنی بر اصل ضرر و مصلحت عمومی باشد.

در این مطالعه ابتدا مبانی یا به تعبیر دقیق‌تر ریشه‌های دینی ممنوع بودن توهین به مقدسات در ادیان مختلف بررسی و سپس جرم‌انگاری توهین از منظر اصول جرم‌انگاری از جمله اصل ضرر و اصل مصلحت عمومی تحلیل و در نهایت چالش میان آزادی بیان و عقیده با موضوع توهین به مقدسات و باورهای دینی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. به عنوان نمونه، در حقوق انگلستان، قلمرو انتشار عقاید ضد دینی منحصر به جرم توهین به مقدسات است که این جرم شامل توهین به "اعتقادات کلیسای انگلیس (Anglican religion)" است. یا در حقوق ایران توهین به مقدسات اسلام جرم تلقی شده است که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، گرایش به محدود کردن این جرم به توهین به مقدسات مذهب شیعه مشهود است.

۲. اصول جرم‌انگاری که به نوعی تابع مبانی جرم‌انگاری هستند نوعاً از شرایطی سخن می‌گویند که بیان‌گر دلایل اخلاقی برای حمایت از قانونگذاری کیفری در موضوعی خاص است به گونه‌ای که در چنان شرایطی اقدام کیفری نامشروع تلقی نمی‌شود (محمودی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). اصل ضرر، اصل مصلحت عمومی، اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل پدر سالاری از اصول جرم‌انگاری هستند. همه یا برخی از این اصول به حسب ارزش مورد حمایت و نوع نظم سیاسی می‌توانند حسب مورد توجیه‌کننده جرم‌انگاری باشد.

۱. مبانی دینی جرم انگاری توهین به مقدسات

منظور از مبنا، اصل، بنیاد، اساس و شالوده هر چیز است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۱۴/۴۳) و در علم حقوق، منظور از مبنا، منبع نیرومندی است که نیروی الزام آور قانون از آن ریشه می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹) و نظم سیاسی حاکم با استناد به آن، با سازوکار متناسب، قانون را اجرا می کند. یکی از ریشه های الزام حقوق و قانون، اراده خداوند و یا آموزه ها و تعلیمات دینی است. اعتقادات دینی یا افراد و اشیاء مورد احترام ادیان یا دین داران، با موضوع هتک و توهین مواجه بوده و واکنش هایی مقرر کرده اند؛ هر چند ممکن است نوع و کیفیت واکنش ها در برابر توهین به مقدسات دینی با توجه به تعالیم و آموزه های ادیان متفاوت باشد. بدین لحاظ وقتی سخن از مبانی دینی جرم انگاری می شود، تمرکز بحث بر دلایل و مستندات است که واکنش ها را سازمان داده یا قادر است با توجه به اصول و موازین جرم انگاری، مبانی قانون و تنظیم پاسخ کیفری یا غیر کیفری قرار گیرد. در اینجا آموزه های دینی در اسلام و سایر ادیان در زمینه توهین به مقدسات به صورت اجمالی بررسی شده اند.

۱.۱ دین اسلام

بر اساس اعتقاد مسلمانان، دین مبین اسلام آخرین و کامل ترین دین آسمانی است که برای رساندن جامعه بشری به سعادت کامل، بر پاک ترین و گرامی ترین انسان یعنی حضرت محمد بن عبدالله (ص) نازل گشته و در بردارنده عالی ترین دستورات الهی در جهت سعادت دنیوی و اخروی همه انسان ها است.

بدیهی است که چنین دینی با دارا بودن مفاهیم عالی انسانی به شدت با اعمالی از قبیل دشنام، استهزاء و توهین، به مقابله برخیزد و این گونه اعمال را مذموم بداند. در قرآن کریم در آیات متعددی ضمن تقبیح استهزاء و توهین، بیان می کند که پیامبران پیش از پیامبر گرامی اسلام نیز مورد استهزاء و تمسخر قرار می گرفته اند.^۱ علاوه بر این، قرآن کریم در دستورالعملی دقیق و پیشگیرانه، پیروان شریعت را از بیان الفاظی که ممکن است موجب تحریک افراد غیر معتقد به خدا و ذکر کلمات موهن شود باز داشته است^۲ که می تواند از

۱. وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (انعام: ۱۰)؛ وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (رعد: ۳۲)، وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (انبیاء: ۴۱).

۲. وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام: ۱۰۸)

منظر وظیفه دین‌داران برای ممانعت و بازداری از اوضاع و احوالی که موجبات توهین و اهانت به مقدسات را فراهم می‌آورد عبرت آموز باشد. ممکن است کسی از این آیه این گونه برداشت کند که اگر خوف مقابله به مثل نبود، توهین به دیگران و یا عقاید آنها منعی نداشت. اما ملاحظه آموزه های دینی و به خصوص سنت (گفتار و رفتار) پیامبر اسلام و امامان، حاکی از منع توهین به صورت کلی و به جهت آثار نامطلوب آن است. به عنوان نمونه، سخن امام علی (ع) با برخی از یارانش که به مخالفان دشنام می‌دادند، تفسیری برای این آیه محسوب می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «من خوش ندارم شما دشنام گو باشید ... و به جای دشنام، بگویید خدایا خون ما و آنان را حفظ کن و میان ما و آنان سازش بده و آنان را از گمراهی نجات بده تا کسی که حق را نمی‌داند بشناسد و آن که برای دشمنی مشتاق است باز ایستد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶). علاوه بر این، در قرآن کریم واژه‌هایی مانند «حرمت»^۱ و «شعائر»^۲ استعمال شده است. در تفسیر المیزان، «حرمت» به هرآنچه که هتک حرمت آن حرام و تعظیم و رعایت احترامش واجب است تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۶۳/۲) و در بحث‌های فقهی هم با توجه به آیات قرآن و روایات، بحث از مقدسات روی عنوان‌هایی مانند «حرمت و شعائر» متمرکز شده و ذیل عنوان قاعده «حرمه اهانت المحترمت فی الدین» یا «حرمه الالهانه بالشعائر و رجحان تعظیمها» بدون این که تعریف مشخصی از مقدسات اسلامی بشود، به موارد و مصداق‌هایی به عنوان مقدسات اشاره شده است (بجنوردی، ۱۴۱۷: ۲۹۴/۵). از مجموع آموزه های دینی در این زمینه می‌توان استفاده کرد که در اصل دین اسلام با توهین و بد دهانی و سب و لعن کردن چه نسبت به آموزه‌های ادیان دیگر و چه نسبت به پیروان ادیان دیگر مخالف است و بر آثار مثبت خوش‌زبانی و خوش رفتاری و رفتار مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر ضمن پایبندی به موازین دین حق سفارش کرده و تذکر می‌دهد که بدسخنی، اخلاقی شیطانی است که باعث تفرقه و جدایی می‌شود.^۳ امام باقر (ع) در تفسیر آیه‌ای از قرآن کریم که به خوش‌سخنی با مردم سفارش می‌کند،^۴ می‌فرماید خدا انسانی را که بسیار لعن و نفرین می‌کند، طعنه می‌زند و سخنان زشت بر زبان می‌آورد، دشمن می‌دارد. ایشان در همین زمینه تأکید می‌کند که سخنی را به مردم بگویید که دوست دارید مردم آن سخن را به شما بگویند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۵/۲).

۱. ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ (حج: ۳۰).

۲. ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج: ۳۲)

۳. و قل لعبادی یقول اللّٰتی هی احسن ان الشیطان ینزغ بینهم ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا (اسراء

۵۲)

۴. و قولوا للناس حسنا ... (بقره: ۸۳).

البته گاهی در میان مسلمانان افراد یا گروه‌های جاهل و نادانی نیز پیدا می‌شوند که به نوعی هتک حرمت به باورها و اعتقادات دیگران را با هر بهانه و دستاویز خود ساخته‌ای جایز شمرده و آن‌ها را تکفیر می‌نمایند. نکته حائز اهمیت اینکه این بهانه و دستاویز که زمینه مناسبی برای فعالیت گروه‌های افراطی و تکفیری است، گاهی روایت وارده و یا دعای ماثوری است که به حسب ظاهر با خلوص نیت و قصد قربت انجام می‌گیرد اما نه به مفاد و مضمون آن توجه می‌شود و نه به آثار و تبعات پیرامونی آن. از جمله این موارد روایتی است که به دستور «مباهته» معروف شده و به نقل از پیامبر اسلام (ص) در برخی منابع روایی آمده است.^۱ فارغ از بحث بررسی سندی این روایت و موارد مشابه، آنچه در دستور پیامبر اسلام آمده است، به شرایط خاص و در مقام دفاع از کیان و اصول اسلامی و در مواجهه با کسانی است که قصد نابودی اعتقادات و فساد دارند. متحیر ساختن و یا مبهوت کردن دشمن، به نحوی که از انجام توطئه و اراده بر دشمنی با امت اسلام ناتوان شود، در این روایت نبوی مورد عنایت قرار گرفته است. همچنان که در قرآن کریم به ابراهیم خلیل نیز همین سیاست و شیوه منطقی برخورد برای مقابله با دشمن و یا مخالف نسبت داده شده (فیهت الذی کفر بقره/۲۵۸) و جالب‌تر آن که حتی شناعة و پستی دشمن نیز نباید بهانه‌ای برای خروج از این مسیر منطقی و استدلال باشد.^۲ مواجهه فقهی و حقوقی اکثریت فقهای بزرگ اسلامی نیز بر همین منوال بوده است و از اساس در کتب فقه خود و با طرح بحث لعن و نفرین به صراحت مقلدان خود را از انجام این کار (لعن و نفرین و توهین) بر حذر داشته‌اند (ملا محسن فیض کاشانی/وافی/ج ۱/ص ۲۴۵؛ صاحب ریاض/ریاض المسائل/ج ۱۴/ص ۴۱۳؛ مقدس اردبیلی/مجمع الفایده/ج ۱۳/ص ۱۶۴ ---- صاحب جواهر/جواهر الکلام/ج ۴۱/ص ۴۱۳).

البته برخی از محققان بین سب (دشنام) و لعن (نفرین) تفاوت گذاشته و به این دلیل که لعن و نفرین همان رد و طرح و طرد دیگری است (راغب اصفهانی، ص ۴۵۱) به آیاتی از

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّبِّيبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْذِهِمْ، فَأَظْهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ، وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ، وَ الْقَوْلَ فِيهِمْ وَ الْوَقِيعَةَ، وَ بَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ، وَ يَحْذَرَهُمُ النَّاسُ، وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ؛ يَكْتَسِبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ، وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ» (كلینی، ۱۴۲۹/۴/۱۲۳؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۴۳۵/۱۴).

۲. و لا یجر منکم شنن قوم علی لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی (مانده- ۸).

قرآن کریم یا کلام پیامبر اسلام (ص)^۱ اشاره می‌کنند که مواردی از لعن و نفرین وجود دارد.^۲ از این منظر شاید بتوان وجهی برای وجود مواردی از لعن و نفرین که در برخی متون روایی یا زیارت‌نامه‌های متداول بین برخی مسلمانان هست جست‌جو کرد. البته برخی تحقیقات هم حاکی از این است که در نسخه‌های قدیمی‌تر و نزدیک به عصر نص، مواردی از لعن و نفرین نسبت به اشخاصی که ممکن است باعث ناراحتی برخی از مسلمانان شود موجود نیست ضمن این که با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی و سیره عملی پیشوایان دینی تأیید چنین متونی مشکل است.^۳ در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به عرفی بودن مصداق و مورد توهین، و با توجه به این که دشنام و لعن ممکن است به شکل یکسانی موجب جریحه دار شدن احساسات و بر هم خوردن نظم و امنیت و زمینه ساز افراط‌گرایی و خشونت گردد، پیشگیری از آسیب‌هایی که احساسات یا نفرت و تعصب و خشم را بر می‌انگیزد در حقوق اسلامی نصوص و دکترین مناسب و کافی برای جرم‌انگاری هر گفتار یا رفتاری که به هر شکل می‌تواند سبب بی‌احترامی و توهین به احساسات دینی مسلمانان یا پیروان سایر ادیان گردد وجود دارد و در کلمات فقهای اسلامی نیز وقتی بحث از مجازات سب و لعن به مقدسات است، معمولاً مقدسات سایر ادیان و به خصوص پیامبران الهی به صورت یکسان مورد توجه قرار گرفته‌اند. ضمن این که قابل انکار نیست که مقدسات مسلمانان با اهتمام بیشتری مورد حمایت هستند.

۱. لعن الله من تخلف عن جیش اسامه (شهرستانی، ملل و نحل، ۲۹/۱)؛ نمونه دیگر مسلم نیشابوری در کتاب خود بابی با عنوان افرادی که پیامبر آنان را لعن و نفرین کرده آورده است. (صحیح مسلم، ج ۵ کتاب البر و الصله باب ۲۵ حدیث ۸۸-۹۷).

۲. ان اللذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الاخره و اعد لهم عذابا مهینا (آیه ۵۷-سوره احزاب)؛ ان علیهم لعنه الله و الملائکه و الناس اجمعین (آیه ۸۷-سوه آل عمران).

۳. در این زمینه رجوع شود به: مقاله تحلیل و نقد یکی از فقرات نسخه رایج زیارت عاشورا (ایزدی، مهدی و ملکی معاف، اسلام، ۱۳۹۲). در این پژوهش با بررسی دو نسخه از زیارت عاشورا که یکی رایج و منبع آن نسخه‌های خطی متاخر «مصباح‌المتجهد» شیخ طوسی و دیگری نسخه غیر رایج و منبع آن «کامل‌الزیارات» ابن قولویه و نسخه‌های متقدم «مصباح‌المتجهد» شیخ طوسی است و با توجه به این که عبارت «و ابدأ به اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع» که شائبه لعن و نفرین نسبت به خلفا را دارد در نسخه‌های متقدم نیست و از سوی دیگر با توجه به اعتبار منبع، اعتبار سند، سازگاری عبارت متن با بقیه متن و سازگاری با سیره امامان به خصوص روش ائمه در مقابله با سیاست امویان، رازداری، مدارا و تقیه در سیره ائمه، سازگاری بین تبری، تقیه و رازداری در زیارت‌های مأثور، ضمن تأیید صدور این زیارت از معصوم، نسخه کتاب کامل‌الزیارات و نسخه متقدم مصباح‌المتجهد که عبارت مذکور در فوق را ندارد ترجیح داده شده است.

۲.۱. دین زرتشت، یهودیت و مسیحیت

بررسی اجمالی آموزه‌های ادیان دیگر نیز حاکی از مقررات یا تعلیماتی است که می‌تواند منبع الزام یا تقنین در جرم انگاری توهین به مقدسات باشد. در آیین زرتشت که تعالیم آن بر اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است، (ناس، ۱۳۹۰: ۴۴۸) با توجه به مدارک محدود به دست آمده مشخص شده است که جرایم علیه مذهب مانند توهین به اشیاء و اماکن مقدس، در ردیف جرایم مهم شمرده می‌شده است (نوربها، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷).

در کتاب مقدس یهودیان به جز یکی دو مورد خاص که بحث توهین یا افترا مورد توجه قرار گرفته است، نص مشخصی که برای هتک حرمت (به طور عام) و یا مقدسات دینی به صورت خاص مجازات تعیین کرده باشد وجود ندارد (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۲۳۲). در حقوق کیفری یهود، اهانت به دادگاه و قاضیان جرم دانسته شده است. به گفته عالمان تلمود، اهانت به قاضی در تورات منع شده است. ایشان می‌گویند: آیه «به خدا ناسزا نگو» (خروج، ۲۲: ۲۸) به قاضی اشاره دارد. (همان: ۲۶۲) مورد دیگر، افترا یا توهین به دختر باکره است، و برای آن به صورت صریح تعیین کیفر شده است، (تثنیه: ۲۲: ۱۹-۱۳).

در عین حال، در تورات جرایم دیگری هم که با عنوان جرایم دینی خاص دسته‌بندی شده‌اند وجود دارد که شاید بتوان برخی از آن‌ها را با توهین به مقدسات مرتبط دانست. حرمت شکنی روز شبات (شنبه): «روز سبت را یاد کن (خروج، ۲۰: ۸-۱۱). مجازات حرمت شکنی روز شبات اعدام است (اعداد، ۱۵: ۳۲-۳۵)، کفر گویی که با مجازات مرگ همراه است (لاویان، ۲۴: ۱۵-۱۰) از این موارد است (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۲۶۳).

در سفر خروج از کتاب تورات آمده است که: «بزرگان قوم را ناسزا مگو و رییس قومت را نفرین مکن.» (کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۲۲ آیه ۲۷).

همچنین آمده است: «خداوند موسی را خطاب کرده و گفت تو بنی اسرائیل را مخاطب ساخته بگو سبت‌های مرا نگاه دارید زیرا که در میان من و شما در نسل‌های شما آیتی خواهد بود تا بدانید که من یهود هستم که شما را تقدیس می‌کنم. سپس سبت را نگاه دارید زیرا که برای شما مقدس است هر که آن را بی حرمتی کند هر آینه کشته شود. پس بنی اسرائیل سبت را نگاه بدارند سینه به سینه، سبت را به عهده ابدی مرعی دارند» (کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۳۱، آیات ۱۲ تا ۱۶). چنان که پیدا است در آیین یهود، «سبت» به عنوان حرمت و یک عهد مقدس به شمار می‌آید اگر این عهد و حرمت توسط یهودی شکسته شود مستحق مجازات مرگ خواهد بود (موسوی کسمائی، ۱۳۷۷: ۲۹).

در آیین مسیحیت نیز لعن و نفرین کردن مذموم شناخته شده است و این امر بیشتر با مصلحت پیشگیری از اهانت پیروان سایر ادیان نسبت به مسیحیت است. در جمله مشهوری

از انجیل متی آمده است: «شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن دشمنی مکن اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید برای لعنت کنندگان خود برکت طلبید و به آن‌هایی که از شما نفرت دارند احسان کنید و به هر که فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید.» (کتاب مقدس انجیل).

علاوه بر ادیان الهی، در تعلیمات بودا^۱ نیز ریشه‌هایی از ممنوعیت یا زشتی توهین به مقدسات قابل بررسی است: «آن کس که آیین را می‌شکند، دروغ می‌گوید، آن جهان را ریشخند می‌کند هیچ بدی نیست که او نکند... زنگی که از آهن برخاسته، آهن را می‌خورد اگر چه از آن پیدا شده است. همین گونه نیز کردارهای بد مرد آیین شکن، او را به راه سرازیر به دوزخ می‌برد» (ناس، ۱۳۹۰: ۱۷۷). البته با توجه به آموزه‌های اخلاقی بودیسم و توصیه به صبر و تحمل در برابر نامالایمات و مشکلات، آنچه از این متن و موارد مشابه آن استفاده می‌گردد، اصل تقبیح توهین به مقدسات است ولی کیفیت پاسخ و واکنش در برابر این قبیل توهین‌ها، بیشتر مبتنی بر نرنجیدن و پایداری بر اندیشه عشق ورزیدن بدون هیچ تنفر و دشمنی است (همان: ۲۰۱).

در مجموع به نظر می‌رسد هر چند از لحن و ادبیات به کار رفته در این متون نمی‌توان جرم و مجازات به مفهوم حقوق کیفری را برداشت کرد، ولی همان‌گونه که اشاره شد می‌توان مذموم بودن توهین و لعن چه به جهت قبح ذاتی و غیر اخلاقی بودن آن و چه به جهت مصلحت پیشگیری از تحریک دیگران و توهین متقابل و ضررهای ناشی از آن را استفاده کرد. این مبانی و دکترین می‌تواند در چارچوب موازین و اصول جرم انگاری مورد توجه قرار گرفته و منشأ مقررات کیفری ملی یا بین‌المللی در مواجهه با توهین به ادیان قرار گیرد.

۲. اصول جرم انگاری توهین به مقدسات در حقوق کیفری

۱.۲. اصل ضرر

ضرر و رفتار صدمه زننده به دیگری (harm to others)، یکی از اصول مهم جرم انگاری در تمام نظام‌های حقوقی است. از این رو، قدیمی‌ترین اصل موجه ساز برای نقض آزادی اراده و

۱. خاستگاه آیین بودا کشور هند می‌باشد که شش قرن قبل از میلاد مسیح توسط شخصی به نام سیدارتا که بعداً به بودا مشهور گردید بنیان نهاده شد مبانی و احکام و معتقدات بوداییان در کتابی گرد آورده شده است که آن را "تی پی تا کا" نام نهاده اند (ناس، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

دخالت در جامعه از طریق جرم انگاری را، ضرر به دیگری دانسته اند.^۱ به نظر می رسد «جان استوارت میل» در کتاب «در باره آزادی»، اولین و کامل ترین تبیین در خصوص اصل ضرر را بر مبنای ایدئولوژی لیبرال ارایه نموده است. از نظر ایشان، به محض این که قسمتی از رفتار فرد، منافع دیگران را به نحو زیان بخشی دچار خطر کرد، جامعه نسبت به آن رفتار حق حاکمیت احراز می کند (میل، ۱۳۸۵: ۱۹۳). بر پایه‌ی این اصل، حکومت تنها در صورتی مجاز به مداخله در رفتار آزاد شهروندان و نقض اراده آزاد آنان است، که این امر برای رفع اضرار به غیر یا جلوگیری از ایجاد آن ضروری باشد. به نظر میل، «موقعی که رفتار انسان به مصالح کسی جز مصالح مسلم خودش برخورد نمی‌کند، فرد انسانی باید آزادی کامل (قانونی و اجتماعی) داشته باشد که اعمال خود را بدون مشکل انجام دهد و پیامد آن را بپذیرد» (همان).

بر اساس اصل ضرر، هرگاه زیان مسلم یا خطر زیان مسلمی (و نه احتمالی) نسبت به فرد یا اجتماع (و نه خود فرد عامل) در کار باشد، عمل فرد از دایره‌ی آزادی بیرون می رود و وارد میدان «اخلاق یا قانون» خواهد شد و بنا به درجه‌ی آن، قابلیت جرم انگاری را نیز می یابد. اما به بهانه‌ی جلوگیری از ایراد خسارت های احتمالی، حق مسلم فرد در داشتن آزادی، قابل تضییع نیست (میل، ۱۳۸۵: ۱۹).

بدین ترتیب، اصل بر آزادی اندیشه و رفتار است و نظم سیاسی مطلوب آن است که زمینه برخورداری از این آزادی‌ها را برای همه‌ی شهروندان و تابعان آن نظم فراهم کند. اما برقراری و استمرار هر نظم سیاسی، مستلزم تحدید آزادی‌ها در جایی است که تعدی و ضرر ملموس به غیر ایجاد کنند و بارزترین مصداق ضرر، جایی است که انسجام و امنیت جامعه در معرض تهدید قرار گیرد. در همین زمینه از کتاب «فایده گرایی» میل نقل شده است که: «انسان می تواند اشتراک منافی میان خود و اجتماع انسانی‌ای که او جزیی از آن است، ببیند، به گونه‌ای که هر رفتاری که امنیت جامعه را در کل تهدید کند، برای خود او نیز تهدید کننده باشد» (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۱۱). بنابراین همان گونه که برخی از تفسیرکنندگان آثار میل نیز گفته‌اند، بهترین تفسیر از ضرر یا آسیب به دیگران می تواند آسیب به منافع حیاتی دیگران باشد و منظور از منافع حیاتی همان امنیت و استقلال عمل فردی یا خودمختاری است (همان: ۱۱). جوئل فاینبرگ در تحلیل خود از اصول جرم انگاری در منطق دولت لیبرال، هم به اصل زیان اشاره می‌کند و هم اصلی تکمیلی که ایشان اصل

۱. جرم انگاری با استناد به ضرر به خود، (harm to self) که در برخی موارد خاص و محدود مورد استفاده قرار می گیرد محل بحث این مقاله نیست.

آزردگی (principle of offence) نامیده است. به بیان فینبرگ، این که ممنوعیت جنایی پیشنهادی چه بسا برای پیشگیری از آزردگی شدید اشخاص ضروری است و در صورت تصویب چه بسا ابزار کارآمدی برای رسیدن به آن هدف است، همواره دلیل مناسبی برای پشتیبانی از آن ممنوعیت است (Feinberg, 1984: 26). برخی نویسندگان در تفسیر دیدگاه فینبرگ گفته اند اگر «آزردگی» را نوع خاصی از زیان بدانیم، که بخش عمده ای از تحلیل فینبرگ حاکی از چنین فهمی از سوی اوست، در آن صورت دیدگاه وی گسترشی است از اصل زیان در معنای کلاسیک آن (استوارت، ۱۳۹۱: ۱۲۷۱).

مزاحمت در مقایسه با ضرر موجب نقض حقوق یا سده منافع کسی نشده و آسیب جسمی یا مادی ایجاد نمی‌کند، بلکه تنها اسباب اذیت و آزار دیگران را فراهم می‌سازد. در همین راستا، فرهنگ عمومی و عرف حاکم بر جامعه در تبیین و تعریف مزاحمت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. گنش‌هایی مانند توهین علنی، افشای سر، افتراء، فحش‌های در علن، و طی بهایم در ملاعام، هرزه‌نگاری و... از مواردی هستند که لیبرال‌ها با استناد به اصل مزاحمت خواستار جرم‌انگاری آن‌ها شده‌اند (فرح‌بخش، همان: ۲۵۳).

با این حال همان‌گونه که گفته شده است نیازی نیست که برای جرم‌انگاری چنین اعمالی اصل تکمیلی دیگری مطرح کرد بلکه می‌توان با تغییر دیدگاه نسبت به ضرر، آن را به ضررهای معنوی که به نوعی از بین برنده نظم و آسایش عمومی‌اند، توسعه داد. اصل ضرر چنانچه تنها به ضررهای مادی محدود نشده و ضررهای معنوی را نیز شامل شود، دیگر ضرورتی به اصل مزاحمت نمی‌باشد. (رستمی، ۱۳۹۳: ۷۱) در حقیقت این انتقاد به لیبرال‌ها وارد است که به جای تلاش در جهت بازاندیشی و ارائه تفسیری کارآمد از اصل ضرر، ترجیح داده‌اند که اصل مزاحمت را به عنوان اصلی در کنار اصل ضرر و به عنوان مکملی برای محدودیت آزادی در نظر بگیرند در حالی که با توجه به توسعه جامعه در تمام ابعاد و به خصوص اقتضات ناشی از فناوری‌های نو، شایسته است معنایی از ضرر مورد توجه قرار گیرد که، امکان مداخله ملی و بین‌المللی در روبرویی با مواردی که ممکن است آرامش و امنیت بین‌المللی را مورد آسیب و خطر شدید قرار دهد فراهم شود.

با این مقدمه، به نظر می‌رسد اهانت به مقدسات دینی و اعتقادات افراد، موجب ضرر به منافع حیاتی و آسیب به جامعه می‌شود. اهانت به مقدسات دینی باعث جریحه دار شدن احساسات پیروان آن دین گردیده و در صورت نبود اهرم‌های کنترلی و بازدارنده، می‌تواند باعث اقدامات متقابلی از جانب پیروان آیین مورد اهانت شود. این امر که از خشونت در گفتار شروع شده ممکن است به خشونت در رفتار و رفتارهای افراط‌گرایانه منجر و به نوبه خود می‌تواند نظم عمومی جامعه را مختل و امنیت و آسایش عمومی را خدشه دار کند. در

واقع به سبب اهمیت بالای سلامت جسمی، روانی و معنوی افراد بشر در تمام نظام های حقوقی اعم از دینی و غیر دینی، شدیدترین برخوردها با جرایمی می شود که به این سلامت خدشه وارد آورند. به همین دلیل با توهین کننده به مقدسات یک دین، که احساسات پیروان دین مورد نظر را جریحه دار کرده و به دنبال آن باعث ضرر به منافع حیاتی و آسیب جامعه شده نیز باید برخورد جدی شود.

در سنت حقوقی «کامن-لو» و در حقوق انگلستان، جرم توهین به دین با واژه «blasphemy» مورد بحث قرار گرفته است.^۱ برخی از حقوق دانان انگلیسی در دفاع از جرم انگاری اهانت به مقدسات دین مسیحیت بر این عقیده اند که هرگاه توهین به مقدسات، به قصد جریحه دار کردن احساسات بشری و یا اهانت صریح به کلیساها یا موجب ترویج مسائل غیر اخلاقی باشد، از مصادیق این جرم خواهد بود. بعضی از حقوق دانان غربی نیز این جرم را یک زمینه مفروض برای ضربه فراگیر به بافت جامعه دانسته اند (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). بدین ترتیب، عقیده دینی که به حسب طبیعت خود امری شخصی و درونی است، در صورتی که مورد تعرض و توهین قرار گیرد، امری بر خلاف نظم عمومی جلوه کرده و به همین ملاحظات در زمره توهین های مشدد و در دسته بندی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار می گیرد و با این ملاحظات، جرم انگاری آن با اصل ضرر توجیه می شود.

در ایالات متحده آمریکا با تصویب اولین متمم قانون اساسی، کنگره از آن که بر دین یا مذهبی رسمیت بخشد باز داشته شده است. در عین حال، رای صادره از دیوان عالی نیویورک در ۱۸۱۱ میلادی نشان دهنده این است که توهین به مقدسات دینی در این نظام حقوقی جرم تلقی می گردد.^۲ (www.candst.tripod.com)

متهم این پرونده، شخصی به نام «راگلس»^۳ بود که در ۲ سپتامبر ۱۸۱۰ در حضور چندین نفر از مسیحیان، با بیانی مغرضانه و زننده مبادرت به توهین به مقدسات مسیحیان نموده بود. الفاظ و عباراتی که وی به کار برده بود، همچون انتساب نامشروع بودن ولادت

۱. امروزه در حقوق انگلستان، هیچ قانون موضوعه ای در رابطه با جرم انگاری توهین به مقدسات وجود ندارد. اگر چه حقوق کیفری، تا کنون بارها وضع قانون در این رابطه را از جمله در سالهای ۱۶۵۰ و ۱۶۹۷ تجربه نموده است، اما در حال حاضر این قوانین منسوخ شده اند. قانون توهین به مقدسات مصوب ۱۶۵۰، که این جرم را با مجازات اعدام همراه نموده بود، در سال ۱۶۶۰ در جریان بازگشت حکومت پادشاهی ملغی گردید. و قانون توهین به مقدسات مصوب ۱۶۹۷ نیز به موجب قانون مجازات سال ۱۹۶۷ منسوخ شد (1979:p.609, Bennion).

2. Article: " the people v. Ruggles in: (www.candst.tripod.com)
3.. Ruggles

حضرت مسیح (ع) و همچنین نسبت فاحشگی به مادر آن حضرت (ع)، نوعی بی احترامی به دین مسیحیت نیز بوده است.

حکم دادگاه بدوی که در سال ۱۸۱۱ مورد تجدید نظر خواهی قرار گرفت، این بود که: «توهین به مقدسات و انتقادات بی‌شرمانه و تمسخر توهین‌آمیز علیه مسیح (ع) یا کتب مقدس، جرایمی قابل مجازات در کامن‌لو می‌باشند؛ خواه عبارات مزبور را بر زبان آورده باشند و یا به قلم».

در تجدید نظر خواهی از رأی صادره در دادگاه بدوی، دیوان عالی ایالت نیویورک ضمن اشاره به ارتباط عمیق دین مسیحیت با فرهنگ و حقوق مردم اظهار می‌دارد: «... مردمان این ایالت، همراه با مردمان این کشور، پیرو دکترین‌های دین مسیحیت، به عنوان قواعد اعتقادی و عملی شان می‌باشند. لذا بی‌احترامی متهم به این دکترین‌ها نه تنها... وظیفه شناسانه و همراه با بی‌اعتنایی به مقدسات بوده، بلکه... نقض شدید نزاکت و نظم مطلوب است. هیچ چیز برای بخش پاکدامن جامعه، آزاردهنده‌تر و برای اخلاق انعطاف‌پذیر و حساس جوانان، زیان‌بارتر از این نمی‌تواند باشد که چنین توهین و بی‌احترامی، قانونی دانسته شود. برخورداری آزادانه، برابر و بدون مزاحمت از اعتقادات دینی، هر چه که می‌تواند باشد، و بحث آزادانه و منطقی در خصوص هر موضوع دینی، اعطا و تضمین شده؛ اما توهین به دینی که از سوی تقریباً کل جامعه مورد پذیرش قرار گرفته، سوء استفاده از این حق می‌باشد. در هر حال دیوان معتقد است که جرم بودن توهین به مقدسات مسیحیت، مغایر ماده‌ی ۳۸ قانون اساسی که دادگاه‌ها را از هر گونه تفسیری که به شناسایی یک دین رسمی و یا حمایت خاص از یک دین باز می‌دارد، نمی‌باشد. در هر حال، دیوان عالی ایالت نیویورک، رأی دادگاه بدوی را مبنی بر قابل مجازات بودن توهین به مقدسات، خواه به صورت شفاهی صورت گرفته باشد و خواه کتبی، مورد تأیید و ابرام قرار داده است (همان).

در حقوق ایران نیز با توجه به دین‌دار بودن مردم و مسلمان بودن اکثریت، مواد قانونی مربوط به اهانت به مقدسات دینی و اسلامی را می‌توان با اصل ضرر توجیه کرد. در حقوق کیفری ایران تا قبل از استقرار نظام جمهوری اسلامی، سخنی از توهین به مقدسات اسلام یا سایر ادیان نبود ولی در ماده ۱۳ لایحه قانونی مطبوعات مصوب، دهم مرداد ماه ۱۳۳۴، انتشار مقاله‌ای «مضر به اساس دین حنیف اسلام» جرم تلقی شده بود.^۱

۱. هر کس مقاله ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس جنحه ای محکوم می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تصویب قانون مطبوعات ۱۳۶۴، جرم توهین به «مقدسات اسلامی» در این قانون پیش بینی شد.^۱

در تحولات تقنینی بعدی و با مورد توجه قرار دادن دیدگاه‌های فقهی در جرم تلقی کردن اهانت به مقدسات اسلامی، در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون‌گذار ضمن تغییر ادبیات خود از جهت توصیف مجرمانه و پاسخ کیفری، پا را فراتر نهاده و علاوه بر مقدسات اسلامی، توهین به سایر انبیاء عظام الهی را نیز جرم تلقی کرده و به جهت نشان دادن اهمیت این جرم و این که ارتکاب آن می‌تواند موجب تهدید امنیت و آسایش عمومی شهروندان باشد، در قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بحث را ذیل مواد مربوط به امنیت و آسایش عمومی کشور تعریف نموده است.^۲ البته در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ تغییرات جدیدی در ادبیات قانون‌گذار و نوع پاسخ کیفری به این جرم دیده می‌شود ولی به هر حال تعیین مجازات تعزیری برای توهین به مقدسات حتی در صورتی که با وصف کیفری «ساب النبی» قابل کیفر نیست، حاکی از این است که قانون‌گذار برای جلوگیری از آسیب و ضرری که ممکن است به سبب توهین به مقدسات دینی موجبات بر هم خوردن نظم و امنیت جامعه را فراهم کند، به صورت هم زمان از حکم حدی و سخت گیرانه ساب النبی و مجازات‌های تعزیری و بازدارنده استفاده می‌کند.

۲.۲. اصل مصلحت عمومی

اصل مصلحت یا خیر عمومی اصل دیگری است که می‌تواند ملاک جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی قرار گیرد. مصلحت عمومی یکی از مهم‌ترین و البته بحث‌انگیزترین مفاهیم و معیارهای مطرح در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق و سیاست و حقوق است. مصلحت عمومی عبارت است از مصلحت‌هایی که فرد فی نفسه به خاطر آن که عضو یک جمع یا کلیت سیاسی است، واجد آن می‌گردد. در واقع مصلحت عمومی به تعدیل مصلحت‌های فردی، به گونه‌ای که بهترین نتیجه را برای جمع به دنبال داشته باشد، مربوط است (معینی، ۱۳۷۸: ۳).

۱. ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴: هر کس بوسیله‌ی مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

۲. هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام و یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر اینصورت به حبس یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

اصول این نظریه از دیدگاه لیبرالی همان اصل فایده است که برای حمایت از منافع فردی و هم منافع عمومی کارایی دارد. فینبرگ یکی از اصول محدود کننده آزادی را «اصل نفع رسانی به دیگری»^{۱۱} می نامد که برای منافع اشخاص دیگری به جز فردی که آزادی یا حق او محدود شده، ضروری است. بر این اساس دولت می تواند برای جلب منافع دیگران - خواه فرد (به جز کننده کار یا رفتار) و خواه گروه یا اجتماع - رفتاری را منع کرده و برای نقض آن ضمانت اجرای کیفری وضع کند. بخشی از مفهوم و دامنه‌ی این اصل با اصل مصلحت عمومی همپوشی دارد (محمودی، ۱۳۸۲: ۹۳). نظریه مصلحت عمومی به خطوط بینابینی می اندیشد و می کوشد که آن را بر اساس نیازها و الزامات زندگی نوین و ایجاد تعادل بین حقوق فرد در اجتماع و امور سیاسی - اجتماعی تدوین کند (معینی، ۱۳۷۸: ۴). مصلحت عمومی زمانی موضوعیت می یابد که بپذیریم بالاتر از مصلحت خصوصی افراد مصلحت کلی تری وجود دارد. چنین تصویری ضرورتاً به اقتدارگرایی یا غفلت از مصالح جزئی نمی انجامد زیرا این دو قابل جمع هستند و می توان بین این دو سازش برقرار کرد. هنر سیاستمداران و سیاست شناسان رسیدن به چنین وضعیتی است و نیز محدود کردن مصلحت خصوصی توسط مصلحت عمومی به معنای حذف مصلحت های جزئی نخواهد بود. چه بسا مصلحت خصوصی با رعایت مصلحت عمومی شانس بقای بیشتری داشته باشد (همان: ۸).

بین مصلحت عمومی و مصلحت فردی ناسازگاری وجود ندارد و بالاتر از آن، تحقق مصالح جزئی شرط رسیدن به مصلحت عمومی است. مفهوم این امر این است که برای تحقق مصلحت عمومی وجود آزادی های منفی ضروری است و بدون وجود آزادی های فردی، به تعبیر منفی آن، مصالح فردی که یکی از ارکان مصلحت عمومی است عینیت پیدا نمی کند. در عین حال، صرف وجود آزادی به مفهوم منفی آن کفایت نمی کند، بلکه انسان ها باید به طور فعالانه در کنش های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند و در ساختن مصلحت های عمومی نقش داشته باشند. در اینجا مفهوم مثبت آزادی خودنمایی می کند. تصور ایده مصلحت عمومی بدون وجود دلبستگی اجتماعی ممکن نیست. دو عنصر عقلانیت و احساس آزادی در تکوین این دلبستگی های اجتماعی نقش به سزایی داشته اند. این عقلانیت و احساس، به طور انتزاعی شکل نمی گیرند بلکه به عضویت فرد در یک جامعه مربوط می شوند. در یک جامعه مبتنی بر مصلحت عمومی، شهروندان برای حفظ انسجام و نظم اجتماعی و ام‌دار یکدیگرند و نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می کنند (معینی

علمداری، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱۶۵). از «مایکل والستر» نقل شده است که: نخستین چیزی که اعضای جامعه سیاسی به یکدیگر وام‌دارند، تدارک مشترک امنیت و رفاه است (به نقل از معینی، ۱۳۷۸: ۱۶).

در جرم‌انگاری براساس مصلحت، محدود کردن آزادی‌های فردی به منظور حفظ و حراست از منافع جمعی مورد نظر است. بر این اساس به نظر می‌رسد سیاست جنایی طراحی شده بر اساس مصلحت و خیر عمومی باید در پی تقویت کرامت انسانی باشد. در این صورت، موضوع تعارض حق و مصلحت مطرح می‌شود که این خطر و آسیب وجود دارد که آزادی‌های شهروندان در قبال اصل ذهنی و قابل تفسیر به نام مصلحت قربانی شوند. به تعبیر دیگر، حق رقیب در اینجا و موضوع بحث ما، آزادی‌های فردی و از جمله آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات است که با مصلحتی عام که جلوگیری از خدشه وارد شدن به احساسات مذهبی و دینی پیروان ادیان است تعارض پیدا می‌کند. محدود شدن بهره‌مندی از آزادی بیان و عقیده به مواردی که مستلزم توهین به اعتقادات دینی یا مقدسات ادیان و پیروان آن نباشد، از سویی حرمت نهادن به پیروان ادیان و مانع ایجاد نفرت و کینه مذهبی است و از سوی دیگر می‌تواند مانع اخلال در امنیت داخلی و خارجی کشور شود و برخورد مناسب و بازدارنده با توهین‌کننده آزمایش را به پیروان مذهب مورد اهانت بازگردانده و از برهم خوردن امنیت کشور جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد همین ملاحظات، جرم‌انگاری مقدسات دینی را در دسته جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار می‌دهد که جرم‌انگاری بر اساس اصل مصلحت یا منفعت عمومی است.

از تصمیمات قضایی موجود در انگلستان به روشی استفاده می‌گردد که دادگاه‌ها به حفظ ساختار اجتماعی موجود و دور نگه داشتن آن از تغییر و آشوب بسیار علاقه مند بوده‌اند. به عنوان نمونه:

لرد «پارکر» در سال ۱۹۱۷ در دعوی «بومان علیه جامعه بی دین»^۱ چنین اظهار نظر نموده که در توهین به مقدسات، شرط لازم توهین، به ریشخند گرفتن و اسائه ادب به گونه‌ای است که احتمالاً احساسات خشم آلود دیگران را برخواهد انگیخت و به نقض صلح منجر خواهد شد. وی معتقد است که حقوق «کامن لو» نسبت به بیان صرف ایده‌ی مخالف حساسیت چندانی ندارد، البته تا جایی که چنین بیانی با حفظ نظم عمومی سازگار باشد).

(Bowman and Ors v. Secular society Ltd, 1917).

1. Bowman v. secular society Ltd

همچنین در دعوای علیه گات^۱ در سال ۱۹۲۲، قاضی «آوری»^۲ خطاب به هیئت منصفه می‌گوید: «آنچه شما در این قضیه باید از خودتان بپرسید این است که آیا این الفاظ و عبارات، نوعی بی‌احترامی به احساسات بدنه‌ی اصلی جامعه به شمار می‌آید و همچنین آیا احتمالاً به نقض صلح و آرامش منجر می‌شود یا نه؟» - (Discussion parer 24 (1992)- Blasphemy; sec2-65).

در آرای قضات آمریکایی نیز می‌توان عباراتی را دید مبنی بر اینکه اهانت به مقدسات چون نظم عمومی را بر هم می‌زند و در واقع مصلحت عمومی ایجاد می‌کند باید قابل مجازات باشد.

به عنوان مثال: در تجدید نظر خواهی از رأی صادره در دادگاه بدوی، در محاکمه‌ی «راگلس»، که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت دیوان عالی ایالت نیویورک به این موضوع اشاره می‌کند (www.candst.tripod.com).^۳ این رویکرد می‌تواند در قراردادن جرایم مبتنی بر توهین و نفرت نسبت به مذاهب و عقاید ذیل جرایم علیه نظم عمومی مؤثر باشد که در بخش بعدی مورد بحث قرار می‌دهیم.

۳. چالش‌های جرم‌انگاری اهانت به مقدسات دینی

به صورت اصولی، جرم‌انگاری^۴ و جرم‌زدایی^۵ هر دو ابزارهای سیاست جنایی برای افزایش یا کاهش مداخله حقوق کیفری در جامعه هستند. با وجود این که اصول جرم‌انگاری، به دنبال کاهش مداخله حقوق کیفری به مواردی هستند که منافع یا مصالح آن با اهمیت، قابل سنجش و در مقایسه با هزینه‌ها قابل توجیه باشند، در مواردی نتیجه مطالعات و ارزیابی‌ها، ضرورت مداخله کیفری و ارزش آفرینی در سطح ملی یا بین‌المللی برای وصول به اهداف مشخص است. برخی جرم‌انگاری‌ها مانند قاچاق انسان و به خصوص زنان و کودکان و یا جرایم سازمان یافته فراملی^۶ از این منظر توصیه و در سطح بین‌المللی اجرایی شده‌اند. با توجه به رهیافت این پژوهش در خصوص توجیه جرم‌انگاری توهین به مقدسات برای بازدارندگی از تنفر و افراط‌گرایی، اشاره به مهم‌ترین به‌چالش‌های این رهیافت ضروری است:

- 1 .R.V.Gott
- 2 .Avory
3. Article: " the people v.Ruggles
- 4 . Criminalization.
- 5 . De Criminalization.
- 6 . Transnational Organized Crimes.

۱.۳. فروکاست حمایت کیفری به دین یا عقیده غالب

حمایت از عقیده غالب یا اکثریت، یکی از چالش‌های جرم‌انگاری در این حوزه است که با اصول جرم‌انگاری مورد اشاره و رهیافت مورد نظر هم‌خوانی ندارد. در پیشینه حقوقی برخی کشورها وقتی بحث اهانت به ادیان مطرح شده، معمولاً از عقیده یا دین غالب در آن کشور حمایت می‌شود. به عنوان نمونه در حقوق انگلستان، به عنوان یک سنت قدیمی فقط اهانت به مقدسات مسیحیت جرم دانسته شده است. لرد «مکنلی»^۱ در انتقاد به قانون «B blasphemy» که در آن صرفاً توهین به مقدسات دین مسیحیت مورد حمایت قرار گرفته بود، می‌گوید:

۶۷

«من اگر در هند قاضی بودم، در خصوص مجازات نمودن مسیحی‌ای که مسجدی را آلوده نموده و مورد بی‌احترامی قرار داده است هیچ تردیدی نداشتم» وی آن‌گاه بیان می‌کند که جامعه امروز بریتانیا در وضعیتی مشابه با جامعه تکثرگرای هند قرار دارد و بی‌شک می‌طلبد که قوانین در مقام حمایت از احساسات مذهبی همگان باشد. (White house v. Gay News Ltd. 1979)

در قانون مجازات ۱۹۶۷ انگلستان و در آرای قضایی این کشور نیز هر چند جرم‌انگاری بر مبنای مصلحت، نظم و امنیت به خوبی دیده می‌شود اما باز تأکید بر دین مسیحیت است. در مقدمه این قانون آمده است: «اشخاص زیادی در سال‌های اخیر آشکارا بر خلاف اصول دکتربین دین مسیحیت، نظریاتی را که کفر آمیز و بی‌اعتنا به مقدسات می‌باشند و تا اندازه‌ی زیادی میل به بی‌احترامی به خداوند متعال دارند، ابراز داشته و منتشر نموده‌اند که این موضوع می‌تواند بر هم‌زنده‌ی نظم و رفاه موجود در این نظام سلطنتی به شمار آید» (Bennion, 1979: 610).

به همین جهت وقتی کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی در انگلستان منتشر شد و مسلمانان جهان انتظار داشتند دادگاه‌های این کشور به جهت هتک حرمت پیامبر اسلام و جریحه دار شدن احساسات مسلمانان اقدامی انجام دهند، همین محدودیت قانونی باعث عدم رسیدگی به موضوع و اعتراض مسلمانان و حتی برخی حقوق‌دانان این کشور شد. (Smith & Hogan, 1996: 732)

برخی نظام‌های حقوقی برای پیروز شدن بر این چالش تلاش کردند علاوه بر جرایم سنتی موجود که از مقدسات دین اکثریت حمایت می‌کرد، در قالب جرایم علیه نظم عمومی یا جرم‌انگاری رفتارهایی که نفرت از عقیده یا مسلک خاصی را ترویج می‌کنند مشکل را حل نمایند. به تعبیری می‌توان گفت جرم‌انگاری اهانت به مقدسات در کشورهای

1. Macaolny

غربی، به دو شکل انجام گرفته است. یکی با عنوان «Blasphemy» یعنی اظهار مطالب کفر آمیز و توهین به مقدسات که این قانون همانطور که توضیح داده شد بیشتر مربوط به کشورهایی است که از نظام کامن لو پیروی می‌کنند و تمرکز بر مقدسات مسیحیت دارد. این جرم که با مجازات‌های شدیدی همچون اعدام همراه بود، در سالهای اخیر از نظام کیفری انگلستان حذف گردیده است.^۱

نوع دوم از حمایت از مقدسات تحت عنوان جرایم مبتنی بر نفرت «Hate Crime» است. این جرم که معمولاً شامل تنفر قومی و مذهبی است (عباچی، ۱۳۸۸: ۵۶۱-۵۷۹)، اظهارات بر ضد پیروان مذهب یا قوم خاص و حتی در برخی کشورها اهانت به عقایدی که منشاء نوع خاصی از زندگی است در بر می‌گیرد. در اینجا به جای حمایت از مذهب یا عقیده خاص، بیشتر حمایت از حقوق شهروندی پیروان عقیده خاص و در حقیقت نظم عمومی مورد نظر است. به عنوان مثال، بر اساس «قانون جرایم مبتنی بر تنفر نژادی و مذهبی سال ۲۰۰۶»^۲ انگلستان، برانگیختن تنفر نژادی و مذهبی می‌تواند در شرایطی تا ۷ سال حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات را در پی داشته باشد.

در حقوق آلمان در ماده ۱۶۶ قانون مجازات با عنوان «اهانت نسبت به عقیده، مذهب، و یا اهانت به انجمن و یا سازمانی که برای فلسفه زندگی اختصاص یافته باشد» به موضوع اشاره شده است و با توجه به بند دوم این ماده که قابلیت به هم خوردن نظم عمومی در اثر اقدامات تحریک آمیز توهین و نفرت را موجب تعقیب دانسته است، می‌تواند تا حد زیادی نسبت به اقدامات افراطی و نفرت افکن نسبت به پیروان عقاید و ادیان بازدارنده باشد.

در حقوق ایران به نظر می‌رسد با وجود این که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۳ در مورد حقوق دینی اقلیت‌های مذهبی اشاره شده و به لزوم مدارا و اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی نسبت به افراد غیر مسلمان امر شده است، این حمایت اختصاصاً نسبت به مقدسات و پیروان ادیان ابراهیمی و نه هر عقیده یا آیینی است. همچنین در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ از «مقدسات اسلامی» نام برده شده بود که به صورت اصولی مقدسات مذاهب مختلف اسلامی را می‌توانست پوشش دهد ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تمرکز قانونگذار بیشتر بر مقدسات مذهب رسمی

۱. تا قبل از سال ۱۶۷۶ میلادی برای جرم اهانت به مقدسات (Blassphemy) مجازات اعدام مقرر شده بود که از این سال به بعد لغو شد. متعاقباً بر اساس ماده ۷۹ قانون عدالت کیفری و مهاجرت انگلستان مصوب ۲۰۰۸ قانون اهانت به مقدسات لغو شده است. (https://en.wikipedia.org/wiki/Freedom_of_religion_in_the_United_Kingdom)

2. Racial and Religious Hatred Act 2006.

است که با مصلحت مورد اشاره هماهنگ نیست. البته این موضوع قابل درک است که ساحت اجتماع و فرهنگ از حوزه هایی است که نظام سیاسی به فراخور مبانی هویت ساز خود در آن ورود می کند و مداخله کیفری در این حوزه، در مقایسه با جرایم علیه اشخاص یا اموال، تأثیرپذیری محسوس تری از ایدئولوژی سیاسی مورد قبول نظام مستقر دارد (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). در عین حال اهمیت امنیت ملی و مصلحت جرم انگاری در این حوزه، توجه بیشتر قانونگذار در این خصوص را می طلبد.

۲.۳. تحدید آزادی بیان

چالش مهم دیگر در جرم انگاری توهین به مقدسات، تحدید آزادی‌ها و به ویژه آزادی بیان و قلم و به خصوص شیوه‌های استفاده از آزادی بیان است. در حل این مشکل یا پاسخ به این اشکال می توان گفت: بررسی های تاریخی، آموزه های ادیان و قوانین جاری بسیاری از کشورها حاکی از این است که جرم توهین به مقدسات، جرم جدید و فاقد پیشینه‌ای نیست که به عنوان تحدید غیر مشروع آزادی مورد انتقاد قرار گیرد بلکه دیدگاه مطرح در این نوشتار این است که با توجه به این که جرم توهین به مقدسات دینی، با استفاده از فناوری های جدید ارتباطی و جهانی شده تبعات غیر قابل کنترلی دارد، پاسخ‌ها هم لازم است با عیار جرمی با مخاطراتی جهانی مورد توجه قرار گیرد. همان طور که در خصوص برخی ناهنجاری های دیگر همانند دزدی دریایی، فساد اقتصادی، پولشویی و ... اتفاق افتاد. این رهیافت در راستای حمایت از آزادی عقیده تمام افراد بشر و ابزاری مؤثر در پیشگیری از خشونت و افراط گرایی است که بی تردید اگر با معیارهای جرم انگاری مورد نظر جرم شناسان از جمله تعادل مورد نظر آقای شنشک نیز مورد محاسبه قرار گیرد به نظر می رسد محاسن آن بر معایب آن ترجیح دارد. براین اساس می توان این برداشت حقوق دانان و استادان حقوق کیفری و جرم شناسی را تأیید کرد که جهانی شدن حقوق کیفری برای تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و رعایت حداقل اصول و موازین نظام بین الملل حقوق بشر در بستر جهانی شدن ضرورتی اجتناب ناپذیر محسوب می شود (پرادل، ۱۳۸۳: ۱؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۷).

علاوه بر این، با اذعان به این که طیف وسیع و متنوعی از استدلال‌ها، آزادی بیان را مورد حمایت قرار می دهد، اما یقیناً به این معنا نیست که این آزادی مطلق است و می تواند در تمامی شرایط بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی دولت اعمال گردد. به این ترتیب در مواردی اقتضا می نماید که دولت دخالت کند تا آنکه ارزش های بنیادینی که خود،

پشتوانه‌ی آزادی بیان می‌باشند، با بیان غیر منطقی و یا غیر اخلاقی برخی افراد، دستخوش تهدید و یا تردید نگردند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی که عرصه‌ی ستیز دو تفکر آزادی‌گرای غربی و محدودیت‌گرای شرقی بود، در ماده (۳) ۱۹ خود، پس از آنکه در بند ۲ ماده ۱۹ به حق بر آزادی بیان اذعان می‌دارد، متذکر این مطلب می‌شود که: «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌هایی خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود...». این محدودیت‌ها در ادامه ماده (۳) ۱۹ قانونی بودن، ضروری بودن و در جهت احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ اخلاق و سلامت یا امنیت ملی بودن به عنوان محدودیت مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

بنابراین، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و گردش آزاد اطلاعات ارزش‌های مطلق نیستند و در صورتی که نوشته، تصویر، فیلم یا هر موضوع دیگری به علت توهین به عقیده دینی یا مقدسات پیروان ادیان باعث رنجش آنها گردد، ضرری است که تحدید کننده آزادی بیان بوده و با توجه به اصل ضرر یا اصل مصلحت عمومی، قابل جرم‌انگاری خواهد بود.

۳.۳. نقدگریزی و افزایش خطوط قرمز

چالش دیگری که در این زمینه قابل طرح است این است که جرم تلقی کردن توهین به مقدسات، می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در بیان و نشر عقاید و دیدگاه‌ها، و به خصوص نقد آن‌ها ایفا نماید. به بیان دیگر، در یک نظام مردم سالار، تمامی ایدئولوژی‌ها باید چالش‌ها، بحث‌ها و انتقادهای شدید را برتابند و از طرفی دین باید خود را در معرض بحث‌ها قرار دهد تا آن‌که حقایق آن معلوم شود و دین باوران باید در خود این توان را به وجود بیاورند که دیدگاه‌های مخالف را که در مقام انتقاد بر آمده‌اند، تحمل نموده و به انتقادات پاسخگو باشند. انتقاد از باورها ممکن است در عصر ارتباطات و تکنولوژی و یا تنوع شیوه‌های بیان در قالب‌های مدرن و حتی کاریکاتور باشد. محدود کردن شیوه بیان در بحث راجع به باورها و ادیان وجهی ندارد.^۱

۱. از پاول بلین (Poul Belien) در مقاله «Jihad against Danish Newspaper» جهاد علیه روزنامه دانمارکی» که در سال ۲۰۰۵ در اعلام موضع نسبت به انتشار کاریکاتورهایی از پیامبر اسلام از طرف سردبیر روزنامه «یولندن پستن» دانمارک مطرح شد نقل شده است: «ما در دموکراسی به سر می‌بریم و بدین جهت می‌توانیم تمام متدهای ژورنالیستی را به کار ببندیم. طنز در این کشور پذیرفته شده و شما می‌توانید کاریکاتور بکشید» «در یک دموکراسی هر شخص باید بپذیرد که هر از گاهی مورد انتقاد قرار بگیرد و یا آن که مایه مضحکه و اسباب خنده شود» (به نقل از: نجابت خواه، ۱۳۸۵: ۱).

در این خصوص می توان گفت، عدم مرزبندی بین انتقاد و اهانت از یک سو و تحقیر و تمسخر باورمندان از سوی دین ناباوران از سوی دیگر، به برخوردهای افراطی خشن انجامیده و می انجامد. سالم سازی رقابت ایمان و کفر با مرزبندی بین انتقاد و اهانت میسر است. در برخی فرهنگها بسیاری از انتقادات اهانت تلقی می گردد و در برخی جوامع، بسیاری اهانتها انتقاد تلقی می شود. هردو گروه دیندار و ملحد باید آزادی انتقاد را به رسمیت بشناسند. آزادی انتقاد به نفع هردو گروه است و رقابت سالم مبتنی بر احترام متقابل، تنها شیوه تعامل قابل دفاع مسلمانان با پیروان دیگر ادیان و آیینها است. نمی توان با زبانی تحقیر آمیز، اهانت بار و تمسخر آمیز نسبت به معتقدات دینی گروهی از دینداران سخن گفت؛ هرچند که مطلب ابراز شده بتواند به کشف حقایقی در خصوص حقانیت یک دین و یا عدم حقانیت آن بیانجامد. زبان به کار گرفته شده در بیان این مطالب، نه به ثبات اجتماعی کمک می نماید و نه به پیشبرد تساهل و بردباری.

بدین ترتیب، در حالی که حمایت از حقوق ادیان و جرم انگاری توهین به مقدسات، موافق با حقوق بشر و مصلحت عمومی است، توهین به باورها وقتی باعث آزردگی باورمندان می شود، در هیچ قاموسی آزادی بیان نیست و هیچ گاه بشر از طریق توهین به عقیده و اعتقاد دیگران، تعالی و کمال را نخواهد یافت. نتیجه اینکه اگر چه با نگاهی بدبینانه، اصل مصلحت عمومی یا خیر عمومی و گسترش و توسعه آن می تواند مسلخ آزادی های فردی از جمله آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات باشد، اما می توان گفت مصلحت عمومی به طور ماهوی هیچ منافاتی با آزادی و منزلت فرد ندارد و اصولاً آزادی فردی به مفهوم جامع و توسعه یافته آن در سایه مصلحت و خیر عمومی به مفهوم حفظ کرامت انسانی و اجتناب از ترویج کینه و نفرت محقق می گردد.

نتیجه گیری:

هدف حقوق، ایجاد و تضمین نظم در جامعه است. ملتزم شدن به نظم حقوقی و قبول محدودیت های ناشی از آن، وابسته به بهره مندی بهینه انسان از آزادی و امنیت است. جرم انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای نقض ارزش های اساسی، ابزاری در دسترس نظم حقوقی برای حمایت از ارزشها است. حفظ حرمت و کرامت انسان و احترام به آزادی او و از جمله آزادی باور دینی از ارزش های مهمی است که حمایت از آن بر عهده نظم حقوقی است. احترام به باور دینی، در یک جامعه متمدن، نیازمند تحمل و عدم توسل به ابزارهای تخریبی و توهین آمیز است. بررسی این تحقیق حاکی از این است که توهین به مقدسات ادیان دارای ریشه های الزام کننده دینی است که می تواند مبنای نظم حقوقی قرار گیرد و با

توجه به اصول و موازین مورد نظر در جرم انگاری، اهانت و تمسخر باور باورمندان با معیارهای اصل ضرر و مصلحت عمومی قابل جرم انگاری است.

با این وجود، جرم انگاری سنتی که قدرت الزام کننده آن در محدوده یک قلمرو سرزمینی یا در مورد دین غالب شهروندان یک کشور کارآیی دارد کافی به مقصود نیست. به دلیل گردش سریع و غیر قابل کنترل اطلاعات، توهین به عقیده دینی در قلمرو سرزمینی محدود نمانده و ممکن است یک تصویر یا کاریکاتور یا مقاله، انسان هایی در خارج از قلمرو سرزمینی را متأثر، خشمگین یا برانگیخته سازد و با سازمان یافتن کینه و نفرت و تشکیل گروههای افراطی، چه بسا امنیت ملی و بین المللی را مورد تهدید قرار دهد. بر این اساس، همان گونه که آزادی عقیده به عنوان آموزه ای حقوق بشری و بین المللی تلقی شده است، ضرورت دارد که حمایت از این آزادی نیز با سازوکارهای سیاست جنایی مورد عنایت قرار گیرد. بدون تردید، آگاهی بخشی نسبت به اهمیت موضوع در جهان معاصر و افزایش تحمل و حرمت نهادن به عقاید دیگران راهکارهای پیشگیرانه موثری است که پیش روی سیاست جنایی است.

در عین حال، اصول جرم انگاری که در بسیاری از جرایمی که صدمات فردی و قابل جبران ایجاد می کنند مورد استفاده قرار می گیرند، ابزاری در دسترس سیاست جنایی است که بتواند با تعیین ضمانت اجراهای کیفی نقض این ارزش مهم و اساسی و اعلام آن، از ضرر غیر قابل جبران و خطر آفرین توهین به مقدسات دینی جلوگیری کند. به نظر می رسد این جرم انگاری که در صورت هنجارسازی فراملی کارآمدی خواهد داشت، ارزش و مصلحتی است که در کنار حق آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات باید مورد توجه قرار گیرد. این هنجارسازی و توصیه کشورها به پیش بینی سازو کارهای آن در حقوق ملی، می تواند از طریق اصلاح قوانین ملی که حمایت از دین یا آیین خاصی را تعقیب می کنند تحقق یابد، یا با وضع قوانین تکمیلی، ضمانت اجراهای مناسبی به منظور پیشگیری و بازدارندگی از گسترش نفرت و افراط گرایی و حمایت از نظم عمومی و صلح پیش بینی گردد.

با توجه به این که عدم مرزبندی بین انتقاد و اهانت از یک سو و تحقیر و تمسخر باورهای دینی از سوی دیگر، زمینه ساز افراط گرایی، ایجاد تنفر و خشونت است. سالم سازی رقابت ایمان و کفر با مرزبندی بین انتقاد و اهانت و رعایت احترام متقابل یعنی احترام به باورهای دینی و آزادی بیان، می توان جهانی سالم و بالنده توقع داشت. آزادی بحث و انتقاد در مورد باورهای دینی و ممنوعیت اهانت به باورهای دینی، لازمه احترام به باورمند از یک سو و اعتقاد به دین همراه با آزادی بیان است.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. آقابابایی، حسین (۱۳۹۰)، «نسی گرایي حقوق بشر و افراط گرایي مذهبی»، **پژوهش های روابط بین الملل**، دوره نخست، شماره اول، صص ۲۰۶-۱۸۳.
۳. استوارت، هیمیش (۱۳۹۱)، «محدوده اصل زیان در جرم انگاری»، ترجمه علی شجاعی، **دایره المعارف علوم جنایی**، مجموعه مقاله‌ها، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ نخست، صص ۱۲۸۷-۱۲۶۳.
۴. بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۷)، **قواعد فقهیه**، جلد پنجم، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
۵. پرادل، ژان (۱۳۸۳)، «به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری»، ترجمه محمد مهدی ساقیان، **پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۱۱، صص ۱۷۸-۱۵۹.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **لغت نامه دهخدا**، چاپ اول از دوره جدید، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رستمی، هادی (۱۳۹۳)، «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال پنجم، شماره اول، صص ۷۱-۵۶.
۸. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، **جرایم علیه اشخاص**، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۹۷)، **تفسیر المیزان**، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، ۱۵ جلد، قم: چاپ اول، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۱. عباچی، مریم (۱۳۸۸)، **جرم های مبتنی بر نفرت**، تازه های علوم جنایی (جلد اول، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی)، نشر میزان.
۱۲. قزوینی، سید محمد حسن (۱۳۸۸)، **جزم اندیشی و خشونت مذهبی**، ترجمه و تحقیق محمد حسین شمسایی و رسول منتجب نیا، چاپ اول، نشر دادگستر.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، **فلسفه حقوق**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، **الکافی (ط - دار الحدیث)**، ۱۵ جلد، ایران، چاپ اول، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲)، **مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری**، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱۷. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۷۸)، «پارادوکس های نظریه مصلحت عمومی»، فصلنامه فلسفه، شماره ۸، صص ۲۲۲-۱۹۴.
۱۸. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۷۸)، «رابطه مصلحت عمومی و آزادی فردی»، فصلنامه حقوق، شماره ۴۴، صص ۱۷۳-۱۵۲.
۱۹. میل، جان استوارت (۱۳۶۳)، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، چاپ سوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۱. ناس، جان بایر (۱۳۸۷)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. نجابت‌خواه، مرتضی (۱۳۸۴)، توهین به مقدسات دینی در حوزه ی آزادی مطبوعات در ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، جهانی شدن جرم (تقریرات درس جرم شناسی)، تهیه و تنظیم سمانه طاهری و عاطفه شیخ الاسلامی با ویرایش مجید صادق نژاد. قابل دسترس در سامانه: Lawtest.ir
۲۴. نوربها، رضا (۱۳۸۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
۲۵. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۰)، «جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی اسلام و کامن لو»، مجله رواق اندیشه ۲، صص ۱۱۰-۹۲.

ب. خارجی:

1. Bennion, Francis, 1979, *A new reason for blasphemy reform*, part II.
2. Feinberg, Joel (1984) **Harm to Others: The Moral Limits of the Criminal Law**, Vol. 1, New York, Oxford University Press.
3. Feldman, David, 2002, *Civil liberties and human rights in England and wales*, Oxford university press, New York.
4. Peter.G.Danchin and Elizabeth A. 1893, *protecting the human rights of religious minorities in stern Europe*, 2002 Columbia University Press
5. Richard. O Dair and lewis, 2001, Andrew, *Law and religion*, Oxford, London, first published.
6. Smith. (John) & Brian Hogan, 1996, **Criminal law**, 8th ed, London, Butter worths.
7. Wiederhold Lutz, 1997, *Blasphemy against the prophet Muhammad and his companions (SABB AL-RASUL, SABB AL-SAHABAH)*, the introduction of the topic in to SHAFII Legal literature and its relevance for Legal practice. Journal of Semitics, XLII.
8. WWW. candast. Tripod.com.